

# یادی از مشاهیر؛ میرزا رضاخان طباطبائی نائینی

سید مهدی سجادی نائینی

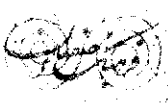
چندی است توفیق معرفی بزرگان، مفاخر و فرهیختگان استان اصفهان نصیب نگارنده این سطور شده است که از طریق این صفحات به خوانندگان نکته‌سنج فصلنامه فرهنگ اصفهان تقدیم می‌شود. در تهیه شرح این برجستگان و مفاخر پیوسته راهنمایها، کمکها و رهنمودهای استاد بزرگوارم مهندس سید عباس لاریجانی شامل حال این حقیر بوده است. در اینجا لازم می‌داند از همراهیهای این عزیز فرهنگ‌دوست سپاسگزاری کرده و توفیق ایشان را از حضرت حق مسألت بنمایم.

رضاخان به‌هنگامی که پدرش از حکومت بروجرد به نائین باز می‌گشت در قریه حصار متولد شد. دوران کودکی مرحوم طباطبائی در نائین به فراگیری مقدمات گذشت. پس از آن خانواده‌اش وی را به اصفهان فرستادند تا زیر نظر برادر بزرگترش مرحوم مرتضی قلیخان به تحصیل ادامه دهد. مرحوم مرتضی قلیخان طباطبائی نائینی در سال ۱۲۸۰ هجری قمری در نائین متولد شد. دوران کودکی را در همانجا گذراند و برای ادامه تحصیل رهسپار اصفهان شد. در اولین دوره مجلس شورای ملی آن زمان به نمایندگی مردم اصفهان انتخاب گردید. در سال ۱۳۰۰ شمسی به فرمان احمدشاه قاجار به نیابت تولیت آستان قدس منصوب و از همین زمان به متولی‌باشی معروف شد. در تشکیلات دادگستری جدید مستشار دیوان عالی

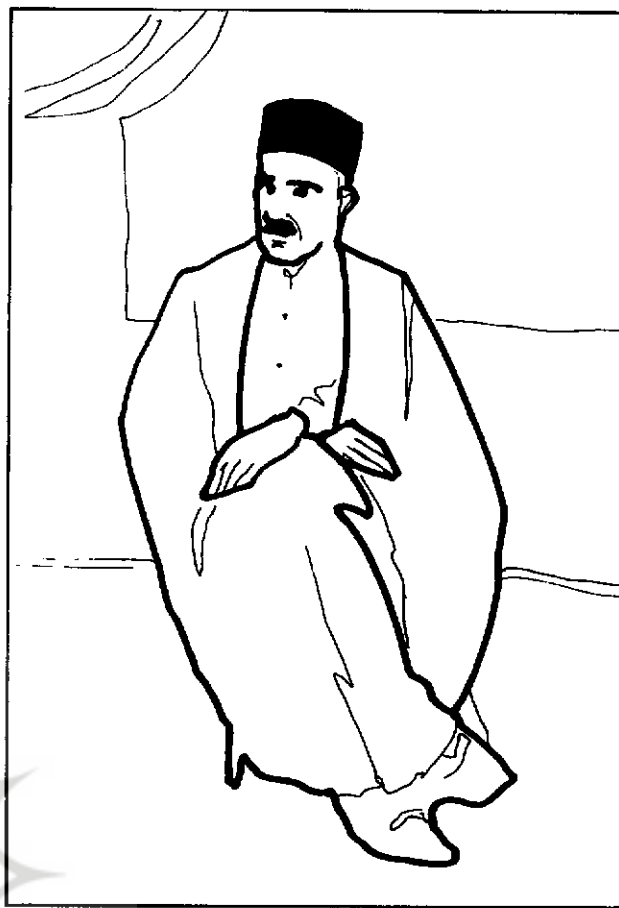
یکی از اندیشمندان و روشنفکران ایران، مرحوم میرزا رضاخان طباطبائی نائینی است که از شهرت و معروفیت بسیاری برخوردار است.

بسیاری از پژوهشگران تاریخ معاصر وی را یکی از حلقه‌های به‌هم پیوسته جریانات روشنفکری دوران انقلاب مشروطه می‌دانند که عمر پربارش را در مطالعه و تحقیق طی کرده و با تأسیس روزنامه و چاپ و انتشار آثار ارزنده، در بیداری مردم، نقشی ارزنده داشته است. مرحوم نائینی در سال ۱۲۹۰ هجری قمری در خانواده‌ای که همه اهل علم بوده‌اند زاده شد. در مورد خاندان و تبار میرزا رضاخان، پژوهشگران میرزا حسین‌خان، پدر او را نوه میرزا معصوم‌خان می‌دانند که در زمان سلطنت زندیه در یزد و نائین استقلال داشته و کریم‌خان زند با او مکاتبات دوستانه‌ای داشته است. از طرف مادر نیز نوه عباس میرزا، شاهزاده شجاع و وطن‌پرست قاجار است.<sup>۱</sup> مرحوم میرزا

۱- مجله ارمغان، سال ۱۳، شماره ۲، صفحه ۹۷ و ۹۸.



مرحوم میرزا رضاخان طباطبائی  
 در زمانی دست به انتشار  
 روزنامه «تیاتر» زد که  
 هیچ رسانه‌ای وجود نداشت  
 که بتواند از نظر نمایش  
 با مردم ارتباط برقرار کند.  
 درست است که روزنامه «تیاتر»  
 دوام نیاورد، اما با بررسی  
 دقیق دوازده شماره «تیاتر»  
 می‌توان به خوبی دریافت  
 که میرزا رضاخان را باید  
 در شمار یکی از قلمزن‌های  
 اجتماعی ایران در دوره  
 مشروطه به‌شمار آورد.



سیدجمال‌الدین اسدآبادی و میرزا آقاخان کرمانی،  
 میرزا رضاخان نیز به صفوف جوانان آزادیخواه  
 پیوست و به‌همراه سایر جوانان اصفهان شروع به  
 فعالیت کرد. و در همین زمان بود که کتاب، جزئی از  
 زندگی او شد و بیشتر اوقاتش به مطالعه  
 می‌گذشت، به‌طوری که به‌زودی از اوضاع جهان  
 آگاهی یافت و اطلاعات وسیع وی، او را به  
 روزنامه‌نویسی و روزنامه‌نگاری علاقه‌مند ساخت.  
 در سال ۱۳۲۴ هجری قمری، به نمایندگی  
 انجمن ایالتی و ولایتی اصفهان انتخاب گردید.  
 شروع فعالیت روزنامه‌نویسی وی با روزنامه  
 انجمن ایالتی و ولایتی بود که اولین شماره آن در  
 ۲۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ هجری قمری برابر با ۶ ژانویه  
 ۱۹۰۶ میلادی در چهار صفحه با چاپ سنگی در  
 اصفهان چاپ و منتشر شد. در این انجمن با

۲- تاریخ نائین، ص ۴۳.

نیز بود و تا آخر عمر در همین سمت باقی ماند.  
 مرحوم متولی‌باشی از قضات شریف و پاکدامن  
 دادگستری بود که مانند برادرش به صفات نیکو و  
 اخلاق حمیده شهرت داشت. مرتضی قلیخان شعر  
 نیز می‌سرود و «عمان» تخلص می‌کرد. وی در  
 سال ۱۳۱۴ شمسی وفات یافت و در مشهد در  
 مقبره خانوادگی به‌خاک سپرده شد. فرزند او  
 دکتر عبدالحسین طباطبائی است که در دوره  
 نمایندگی مردم نائین، خدمات ذی‌قیمتی به شهر  
 خود کرد و در مقام ریاست بهداشت جهانی شهرت  
 بین‌المللی یافت.<sup>۲</sup>

دوران جوانی میرزا رضاخان مصادف با  
 کشته‌شدن ناصرالدین‌شاه قاجار به دست  
 میرزارضای کرمانی بود. قتل شاه و آشنایی مردم با  
 اروپای آن زمان، باعث شدند تا نغمه‌های  
 آزادیخواهی از هر سوی به‌گوش برسد. با شدت  
 یافتن فعالیت آزادیخواهان و روشنفکرانی همچون



روزنامه و اموال او هم به غارت می‌رود.<sup>۶</sup> پس از شکست در کسار روزنامه‌نویسی، آن مرحوم به مشاغل دولتی رو آورد و معاونت وزارت معارف را عهده‌دار شد. پس از آن به دادگستری رفت و مشاغل مهمی را احراز کرد. آخرین مقام او مدعی العموم (دادستان) تهران بود.

در دادگستری، تقوا و پاکی و عفت شغلی او زیانزد بود به طوری که در میان قضات ضرب‌المثل شده بود... او در مقامات مختلفی که در دادگستری عهده‌دار بود هرگز از راه حق و حقیقت خارج نشد و پیوسته با همان حقوق دولتی امرار معاش می‌کرد. از جمله کارهای مهم او که در آن روزگار مشهور شده بود به محاکمه کشیدن احمدشاه قاجار بود که دست به احتکار گندم زده بود.<sup>۷</sup> پس از مدتی از کار در دادگستری نیز کناره گرفت و غالب اوقات خود را در کتابخانه‌اش به مطالعه و تحقیق می‌گذرانید.<sup>۸</sup>

مرحوم میرزا رضاخان به جمع‌آوری کتب قدیمه و خطی و آثار چاپی نفیس و کمیاب علاقه بسیار داشت به طوری که کتابخانه شخصی او در تهران مشهور بود. مرحوم صدر هاشمی می‌نویسد «مرحوم نائینی عشق مفرطی به جمع‌آوری کتب خطی قدیم داشت و کتابخانه شخصی وی پس از کتابخانه حاج حسین آقا ملک، دوم کتابخانه در تهران به حساب می‌آمد...»<sup>۹</sup>

مرحوم نائینی در زمان حیات تصمیم داشت این کتابخانه را به صورت قرائتخانه عمومی در اختیار مردم تهران قرار دهد و بارها این علاقه را به اطرافیان و نزدیکانش اظهار کرد، اما اجل به او مهلت نداد. پس از مرگ وی یگانه دخترش، کتابخانه پدر را وقف آستان حضرت رضا کرد که فهرست آن نیز از

بهره‌گیری از نظرات و افکار بزرگان و برجستگی هم چون حاج آقا نورالله اصفهانی (برادر مرحوم آقاجانی) منشأ خدمات بسیاری شد و «... در رسیدگی به تظلمات و شکایات مردم و برقراری نظم و امنیت...»<sup>۳</sup> از هیچ کوششی فروگذار نکرد.

در سال ۱۳۲۶ هجری قمری به نمایندگی مردم یزد و نائین انتخاب شد و به تهران نقل مکان کرد. اولین اقدام او در پایتخت انتشار روزنامه «تیاثر» بود که شماره نخست آن در ربیع‌الاول ۱۳۲۶ هجری قمری برابر با ۵ ماه مه ۱۹۰۸ میلادی در ۴ صفحه به قطع رحلی در تهران چاپ و منتشر گردید.

حسن شهرت او در روزنامه‌نگاری و اطلاعات وسیع و تجربیات وی در این رشته باعث شد تا همزمان با انتشار روزنامه «تیاثر» با مرحوم مجدالاسلام کرمانی در روزنامه «ندای وطن» همکاری کرده و معاونت او را به عهده بگیرد.<sup>۴</sup>

روزنامه «تیاثر» که نخستین روزنامه با این عنوان بود که در ایران انتشار می‌یافت از ربیع‌الاول تا جمادى‌الاول ۱۳۲۶ هجری قمری در مجموع ۱۲ شماره و هر شماره ۴ صفحه در چاپخانه‌های فاروس و مجلس به چاپ رسید.

اولین مقاله روزنامه، بیانگر عقیده نویسنده آن است. مرحوم میرزا رضاخان در این مقاله می‌نویسد هدف وی از انتشار این روزنامه این است که مانند «ولتر» و سایر نماینده‌نویسان، مردم را از وضع زمان مطلع سازد، و رذایل و قبایح اعمال آنان را ظاهر کرده «... تا اینکه قبایح اعمال را متروک سازند و محاسن افعال را پیروی نمایند...»<sup>۵</sup>

با مراجعه به شماره‌های مختلف روزنامه «تیاثر» می‌بینیم مرحوم طباطبائی از همان شماره اول، نظرات انتقادی خود از رجال درباری و اوضاع اجتماعی را با صراحت و شجاعت ابراز داشته است. اگر چه تجربه و آگاهی مرحوم نائینی او را به روزنامه‌نویسی کشانده بود، اما با مطالعه در زندگی او مشخص می‌شود که با همه علاقه و تجربه و شوق و ذوق در کار روزنامه‌نویسی، در این کار با شکست روبه‌رو می‌شود و در بمباران مجلس، دفتر

۳- تاریخ جراید و مجلات کشور، جلد اول، صفحه ۲۸۹ و ۲۹۰.  
 ۴- روزنامه تیاثر، ص ۸.  
 ۵- روزنامه تیاثر، ص ۳.  
 ۶- مجله خواندنیها، سال ۴، شماره ۳۲، صفحه ۱۹.  
 ۷- نائین، بلده طیبه، ص ۱۱۲.  
 ۸- روزنامه تیاثر، ص ۹.  
 ۹- تاریخ جراید و مجلات کشور، جلد دوم، ص ۱۵۰.

طرف کتابخانه به چاپ رسیده است. بغیر از روزنامه «تیاتر» آثار دیگری نیز از میرزا رضاخان به جا مانده است که از آن جمله شرح حال «متنبی» شاعر بزرگ عرب است که در مجله ارمغان به چاپ رسید. دیگر، مقاله‌ای تحت عنوان «انتقاد ادبی» که موضوع آن علم نحو است و انتقاداتی که میرزا رضاخان بر کتاب «نقایس الفنون» وارد کرده است.<sup>۱۰</sup> این مقاله بیانگر معلومات عمیق مرحوم نائینی و تسلط او به زبان و ادبیات عرب است.

مرحوم میرزا رضاخان شعر نیز می‌سرود و تخلص او در شعر «رضوان» بود. او مدتها معاونت انجمن ادبی ایران را برعهده داشت و یک‌چند نیز از طرف اعضا به ریاست انجمن برگزیده شد و جلسات انجمن را در خانه‌اش تشکیل می‌داد.<sup>۱۱</sup>

مؤلف تذکره سخنوران نائین وی را «در علوم ادبیه و انتقاد نظم و نثر در تهران، بلکه در تمام ایران...»<sup>۱۲</sup> بی‌نظیر می‌داند.

میرزا رضاخان در ۱۸ رمضان سال ۱۳۵۰ هجری قمری برابر با ۶ بهمن ۱۳۱۰ شمسی در تهران درگذشت. کالبد او را به مشهد انتقال دادند و در جوار حضرت رضا علیه‌السلام به خاک سپردند. در مرگ او اعضای انجمن ادبی و سایر شعرا و گویندگان مرثیه‌ها و سوگنامه‌های به یادماندنی ساختند. از جمله مرحوم عبرت نائینی اشعاری گفت که ماده تاریخ فوت وی را نیز در آخرین مصراع بیان داشت. چند بیت از آن اشعار را ذکر می‌کنیم.

دردا و حسرتا که از این ملک پا کشید  
سرمایه سعادت ملک افتخار ما  
دردا و حسرتا که برفت از جهان فضل  
آن اهل فضل را به جهان میر و مقتدا  
عبرت ز عقل سال وفاتش سؤال کرد  
آمی کشید و گفت صد افسوس از رضا<sup>۱۳</sup>  
۱۳۱۰ شمسی

کشور ما با مرگ میرزا رضاخان، در آن دوران، روزنامه‌نگاری آگاه، جامعه‌شناسی مطلع، شاعری فحل، سیاستمداری روشن‌بین و قاضی مسلمان و شریفی را از دست داد. انسان وارسته‌ای که تمام

عمر پربارش را به مطالعه و تحقیق و پژوهش گذرانید و لحظه‌ای از یاد مردم غافل نبود. آن مرحوم در زمانی دست به انتشار روزنامه «تیاتر» زد که هیچ رسانه‌ای وجود نداشت که بتواند از نظر نمایش با مردم ارتباط برقرار کند. درست است که روزنامه «تیاتر» دوام نیاورد، اما «با بررسی دقیق دوازده شماره آن می‌توان به‌خوبی دریافت که میرزا رضاخان را باید در شمار یکی از قلمزنان‌های اجتماعی ایران در دوره مشروطه به‌شمار آورد. و قبول کرد همان‌گونه که میرزا فتحعلی آخوندزاده به‌عنوان پایه‌گذار تئاتر اجتماعی باقی خواهد ماند، نام میرزا رضاخان نائینی نیز به‌عنوان یکی از اعتلادهندگان این فن از یادها نخواهد رفت...»  
یادش گرامی و راهش پررهرو باد...

#### مآخذ

ارمغان (مجله) سال ۱۳، شماره ۲.  
ارمغان (مجله)، سال ۶، شماره ۵ و ۶.  
ارمغان (مجله) سال ۸، شماره ۵ و ۶.  
بقائنی نائینی، جلال. تذکره سخنوران نائین، انتشارات، تهران، ۱۳۶۱.  
بلاغی، عبدالحجت. تاریخ نائین، تهران، ۱۳۶۹ هجری.  
خواندنیها (مجله) سال ۴ (۱۳۲۴)، شماره ۳۲.  
سجادی نائینی، سیدمهدی. نائین بلده طیبه، انتشارات کانون پژوهش، اصفهان، ۱۳۷۹.  
صدر هاشمی، محمد. تاریخ جراید و مجلات، جلد اول صدر هاشمی، محمد. تاریخ جراید و مجلات، جلد دوم طباطبائی نائینی، میرزا رضاخان. روزنامه تیاتر، به‌کوشش محمد گلبن، فرامرز طالبی، نشر چشمه، تهران، ۱۳۶۶.



۱۰- مجله ارمغان، سال ۶، ص ۳۴۰.  
۱۱- مجله ارمغان، سال ۸، ص ۳۱۹.  
۱۲- تذکره سخنوران نائین...، ص ۵۳.  
۱۳- نائین بلده طیبه، صص ۱۱۳ و ۱۱۴.